

Pathological Analysis of the Judicial Criminal Policy Approach in Iran Regarding the Legal Institution of Mitigating Circumstances of Punishment

1. Nina Ranjbar: Ph.D. Student, Department of Criminal Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran
2. Akbar Varvaei*: Professor, Department of Law, Amin Police Comprehensive Science University, Tehran, Iran. Email: akbarvarvaeelak@gmail.com (Corresponding Author)
3. Amir Mohammad Sedighian: Assistant Professor, Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran

ABSTRACT

Mitigating circumstances and their application constitute a highly delicate and intricate area of criminal law, playing a significant role in the rehabilitation and correction of offenders. However, Iran's judicial criminal policy, rooted in a punitive-oriented framework, shows limited interest in these forms of penal responses, especially when the rehabilitative and reformative aspects of mitigating circumstances are overlooked. This condition necessitates a comprehensive examination and identification of the existing deficiencies and obstacles that hinder the effective application of mitigating circumstances. In light of this, the present study aims to identify the method of applying the legal institution of mitigating circumstances of punishment within the country's judicial criminal policy, with a specific emphasis on uncovering the barriers to its implementation. The current research is applied in nature and follows a qualitative methodology. Data were collected through semi-structured individual interviews. The participants included 19 experienced and knowledgeable experts in the field of judicial practice, selected through purposive sampling. Data analysis was conducted using thematic analysis. The findings of this study led to the identification and categorization of four dimensions, 21 components, and 138 indicators relating to the application of mitigating circumstances. An examination of these dimensions reveals a significant correlation between all identified dimensions and the judicial criminal policy process in the implementation of mitigating circumstances. To pathologically analyze the judicial criminal policy approach in Iran regarding the legal institution of mitigating circumstances of punishment, the study utilized data obtained from semi-structured interviews with experts and scholars. The main extracted themes indicate that the behavioral dimension has the most significant influence on judges in applying mitigating circumstances, followed by the structural dimension, and finally, the contextual dimension. Nevertheless, it is evident that these barriers—whether stemming from within or outside the judicial system—are deeply interconnected and continuous. Therefore, addressing these obstacles in the implementation of the aforementioned law requires a balanced approach in both internal and external domains.

Keywords: *pathology, approach, judicial criminal policy, mitigating circumstances, legal institution*

How to cite: Ranjbar, N., Varvaei, A., & Sedighian, A. M. (2025). Legislative, Judicial, and Executive Criminal Policy Strategies in Iran for the Protection of Water Resources. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-17.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 May 2025
Revise Date: 05 July 2025
Accept Date: 12 July 2025
Publish Date: 13 February 2026



آسیب شناسی رویکرد سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات

۱. نینا رنجبر: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۲. اکبر وروایی*: استاد، گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. پست الکترونیک: akbarvarvaeelak@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. امیر محمد صدیقیان: استادیار، گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

چکیده

کیفیات مخففه و استفاده از آن مبحثی بسیار دقیق و ظریف است و در اصلاح و درمان بزه‌کاران نقش چشمگیری دارد، این در حالی است که سیاست جنایی قضایی ایران در بستر و نگاهی کیفرگرایانه و بدون در نظر گرفتن جنبه‌های بازپرورانه کیفیات مخففه، به این نوع از پاسخ‌های کیفری علاقه چندانی نشان نمی‌دهد؛ که این امر مستلزم بررسی و شناسایی آسیب‌ها و موانع تاثیر گذار در روند اعمال کیفیات مخففه می‌باشد. لذا با در نظر گرفتن این موضوع، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی نحوه اعمال تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات در سیاست جنایی قضایی کشور با تاکید بر شناسایی موانع اعمال آن می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت داده‌ها کیفی که برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های انفرادی نیمه ساختاریافته استفاده گردید. مشارکت کنندگان در تحقیق تعداد ۱۹ نفر از کارشناسان و خبرگان با تجربه و آشنا به موضوع پژوهش در حوزه قضایی بودند که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش منجر به شناسایی و احصاء ابعاد (۴ بعد)، مؤلفه‌ها (۲۱ مؤلفه) و شاخص‌های نحوه اعمال کیفیات مخففه (۱۳۸ کد) گردید که بررسی این ابعاد نشان از وجود ارتباط معنادار بین تمامی ابعاد با سیاست جنایی قضایی در فرایند نحوه اعمال کیفیات مخففه دارد. به منظور آسیب شناسی رویکرد سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات از طریق فرآیند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران، مقوله‌های اصلی استخراج که برابر اطلاعات بدست آمده؛ بعد رفتاری بیشترین تاثیر گذاری بر قضات در اعمال کیفیات مخففه و پس از آن بعد ساختاری و در نهایت بعد زمینه‌ای قرار دارد. هر چند در نهایت این موانع اعم از محیط داخل و یا بیرون سازمان (دستگاه قضایی) نسبت به هم ارتباط تنگاتنگ و پیوسته‌ای دارند و رفع این موانع در اجرای قانون مذکور در هر دو حوزه به صورت متوازن می‌باشد.

واژگان کلیدی: آسیب، رویکرد، سیاست جنایی قضایی، کیفیات مخففه، تاسیس حقوقی

نحوه استناددهی: رنجبر، نینا، وروایی، اکبر، و صدیقیان، امیر محمد. (۱۴۰۴). آسیب شناسی رویکرد سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۷-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۴ بهمن ۱۴۰۴

مقدمه

مسائل جزائی بخش مهمی از حقوق کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد. در این مسائل بعد از اصل براءت که باید در مورد متهمان به‌طور کلی مورد توجه قرار گیرد، اعمال موارد مربوط به تخفیف مجازات و یا تبدیل مجازات است که به‌نوعی باید با شأن و منزلت متهم و جرم ارتكابی وی مطابقت داشته باشد، در بحث تخفیف مجازات این مسئله مهم است که در صورت وجود عوامل مختلف از قبیل موقعیت اجتماعی، همکاری با دادگاه، سوابق کیفری و... مجازات مرتکب را به نحوی مورد تخفیف قرارداد تا متهم بتواند با به دست آوردن فرصت دیگر آینده موفق‌تری در زندگی خود داشته باشد. به نظر می‌رسد که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و مواد اصلاحی آن در سال ۱۳۹۹ با رویکرد بهتری نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مسئله تخفیف مجازات را مورد بررسی قرار داده و در این زمینه به حقوق کشورهای اروپایی نزدیک‌تر شده است در تقسیم‌بندی قانون مجازات اسلامی به حدود و دیات و قصاص و تعزیرات و با توجه به تعاریف این واژه‌ها مشخص می‌شود که در مباحث مربوط به حدود و دیات و قصاص امکان اعمال تخفیفات جهت سبک کردن مجازات متهم وجود ندارد، بلکه در تعزیرات ممکن است با درخواست وی و شرایط مندرج در متن قانون بتوان تخفیف مناسبی به نام‌برده اعطا کرد.

بحث کیفیات مخففه و استفاده از آن دقیق و ظریف است و در اصلاح و درمان بزهکاران نقش چشمگیری دارد. با محدودیتی که در قوانین جزایی فعلی ایران برای اعمال این کیفیات وجود دارد، قاضی باید در حد توان با برخورداری صحیح و دقیق و با توجه به شخصیت مجرم و اوضاع و احوال و مختصات جرم از این کیفیات در حد مطلوب استفاده کند. چرا که در مسائل کیفری، با توجه به رفتار متهم در مرحله تعقیب و تحقیق و دادرسی، گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و مواردی از این قبیل، قانون‌گذار به دادگاه اجازه داده است که در موارد محدودی، بزهکار را از کیفر مجازات معاف و یا تحت شرایطی قانونی در میزان مجازات وی تخفیف دهد.

قانون‌گذار در بسیاری از موارد مجازات را به دلایلی، تخفیف می‌دهد و یا امکان اجرای آن‌ها را غیرممکن می‌سازد. این تخفیف‌ها تحت عنوان کیفیات مخففه قضایی و گاه نیز معافیت‌های قانونی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در سیر تاریخچه قانون‌گذاری در ایران، موضوع تخفیف مجازات در مواد ۴۴، ۴۵ و ۴۶ مکرر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و مواد ۴۵ و ۴۶ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ و نیز در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان گردیده است. و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تخفیف مجازات طی مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ آمده است. در مواد اصلاحی قانون اخیرالذکر نیز، موضوع انواع کیفیات مخففه مجازات تحت دو عنوان (کیفیات مخففه قضایی: مواد ۳۷ الی ۳۹ ق.م.ا و معاذیر قانونی معاف‌کننده و مخففه مجازات) بیان گردیده که دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری را به‌تدریج مندرج در ماده (۳۷ ق.م.ا) تقلیل دهد و یا تبدیل به مجازاتی از نوع دیگر نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد.

شاید مهم‌ترین تحول در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد اصلاحی آن را بتوان چنین گفت که کیفیت مخففه قضایی، نهادی اختیاری درید قاضی می‌باشند؛ و این کیفیات فقط در جرائم تعزیری و با رعایت یکی از شرایط مصرح در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل اعمال‌اند و باید در حکم، صریحاً قید گردد؛ و عدم اجرای این امر، تخلف انضباطی برای مقام قضایی است. و در جرائم اطفال و نوجوان دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات را به نصف حداقل تعیین کند و اقدامات تأمینی و تربیتی را به اقدام دیگری تبدیل کند. قانون‌گذار در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جای واژه تخفیف، واژه تقلیل را به‌کار برده است؛ زیرا تبدیل و تقلیل دو مصداق تخفیف هستند و عطف واژه تبدیل به واژه تقلیل با حرف «یا» در این ماده حکایت از ممنوعیت تقلیل و تبدیل به‌صورت همزمان دارد؛ و از نوآوری‌های قانون جدید است.

آشکار است که در نظر گرفتن کیفیت مخفف مجازات، مستلزم فراهم نمودن بسترها و زمینه‌هایی نیز است. به عبارتی اثربخش بودن این دسته از مجازات‌ها به طور کامل تابعی از آمادگی بسترهای فرهنگی و اجتماعی و نیز بسترهای اجرایی مانند حضور کافی متخصصان غیرقضایی نظیر مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به منظور نظارت بر اجرای آن‌ها و وجود بسترها اطلاعاتی نظیر بایگانی جنایی است که به عبارتی کاربست صحیح و مؤثر بودن آن نیازمند فراهم بودن بسترهای قضایی و غیرقضایی است، که این خود با چالش‌های قضایی متعددی روبه‌رو است و سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی در جهت کاهش جمعیت کیفری، به تنهایی وبدون همراهی سیاست جنایی قضایی نمی‌تواند تاثیر گذار باشد، زیرا در نهایت این قضات هستند که با چارچوب پیش فرض‌های خود قوانین را تجسم بخشیده و به اجرا درمی‌آورند بنابراین تاسیس حقوقی کیفیت مخفف در راستای اصل فردی کردن واکنش، اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین در نظر گرفته شده است و تحقق اهداف مذکور منوط به وجود قوانین مناسب و اجرای صحیح و دقیق قوانین مذکور از سوی قضات دادگاه‌ها می‌باشد، که در این میان شیوه مورد استفاده از سوی دستگاه قضایی در اعمال مقررات تخفیف و تبدیل مجازات در موارد متعدد محل بحث و تأمل بوده است، به گونه‌ای که در موارد بسیاری رویه‌های متفاوتی در اعمال این مقررات از سوی شعب مختلف در پرونده‌های مشابه مشاهده می‌شود. لذا بررسی سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص تاسیس حقوقی کیفیت مخفف مجازات یکی از مسائل مهمی است که می‌تواند در کاهش جرائم و همچنین کاهش جمعیت کیفری تاثیر گذار باشد. لذا این رساله با هدف تعیین سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص کیفیت مخفف مجازات سعی دارد که اصول و راهبردهای کیفیت مخفف اجرای مجازات از نگاه سیاست جنایی قضایی به عنوان روش و ابزاری برای رسیدن به هدف معلوم و مشخص را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار دهد. به عبارتی این پژوهش به دنبال آن می‌باشد، با تحلیل چگونگی سیاست جنایی قضایی در خصوص کیفیت مخفف از طریق گردآوری تعدادی از آراء صادره در دادگاه‌های استان کرمانشاه و همچنین مصاحبه با کارشناسان مرتبط آسیب‌ها و موانع سیاست جنایی قضایی در اعمال تاسیس حقوقی کیفیت مخفف را شناسایی تا بر آن اساس بتوان به این سوال پاسخ داد که مهمترین موانع موجود در سیاست جنایی قضایی کشور در رابطه با کیفیت مخفف چه می‌باشد؟

مبانی نظری

مفهوم آسیب شناسی

مطالعه انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی عبارت است از: مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و...، همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی است (Sotoudeh, 2007). به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها رعایت نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بیند، یعنی آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد

مفهوم سیاست جنایی

واژه سیاست به معنای تدبیر و تدبیر و چاره اندیشی می‌باشد و در جنبه‌های گوناگون مانند «سیاست اقتصادی»، «سیاست فرهنگی» و «سیاست جنایی» به کار برده شده است. "سیاست جنایی" ترکیبی اضافی در مقابل ترکیب وصفی است که در فرهنگ لغات حقوقی و اجتماعی در غرب، معادل و مترادف سیاست کیفری به کار رفته و اصطلاح شد" (Hosseini & Motavallizadeh Naeini, 2014) اما به تدریج

تحت تأثیر اندیشه‌های حقوق بشری که نشان حفظ شأن و کرامت انسانی و حفظ آزادی‌های اساسی بود، «حقوق کیفری» سلطه انحصاری خود در زمینه «کنترل رفتاری» از دست داد و در نتیجه اولاً مفهوم اجتماعی «انحراف» در کنار مفهوم حقوقی جرم پیدا شد و ثانیاً مداخله مراجع گوناگون اجتماعی در کنار مراجع دولتی، در پاسخ‌های پیشگیرانه و واکنشی به «هنجار شکنی» گسترش و اهمیت یافت. (Hosseini, 2022). بنابراین سیاست جنایی، سیاست و برنامه خاص در زمینه کنترل بزهکاری، از طریق سرکوبی محض همراه با اقدام‌ها و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزهکاری است.

اقسام سیاست جنایی

الف) سیاست جنایی تقنینی

"مجموعه قواعد و مقررات و به طور کلی قانون به عنوان نماینده و نمودی از تدابیر و تفکرات تبیین کننده اصول و مبانی اهداف سیاست جنایی می باشد. البته قانون مهم ترین منبع یک سیاست جنایی خوب نیز محسوب می شود. قانون بیانگر اندیشه‌ها و تدابیر، روش‌ها، اصول و مبانی سیاست جنایی در مقابله با جرم و انحرافات اجتماعی است که باید آن را برگرفته از تمایلات، هنجارها و ارزش‌های جامعه دانست." (Tayari, 2011). سیاست جنایی تقنینی اعم است از اقدامات سرکوبگر و اقدامات پیشگیرانه. ابزار اقدامات سرکوبگر همان تدابیر کیفری و مجازات است ولی ابزار اقدامات پیشگیرانه، تدابیری غیرکیفری است و مبنی بر اجتماع نهادهای مدنی است که هر دو اقدام به منظور کنترل پدیده کیفری اعمال می شوند. در حقوق ایران پس از انقلاب، سیاست جنایی تقنینی در مورد مواد مخدر «لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان ۱۳۵۹» و «مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷» و اصلاحی آن در ۱۳۷۶ و «آیین نامه اجرایی آن» و در مورد مواد روان گردان تنها به طور ویژه قبل از انقلاب یک قانون و آن هم «قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ) مصوب ۱۳۵۴» است. و بعد از انقلاب هم «اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹» که از اصطلاح «روان گردانهای صنعتی غیر دارویی» در متن خود بهره برده است.

ب) سیاست جنایی قضایی

«سیاست جنایی قضایی» یعنی آن سیاست جنایی که در تصمیم و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس شده است. پس از آن که قانون گذار سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین پیام‌های قانون گذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می شود. می توان گفت که "قانون به تبیین اصلی مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است." در حقوق مواد مخدر ایران سیاست جنایی قضایی رسالت مهمی را از جهت تبیین راهبردهای عمومی نحوه پاسخ دهی به پدیده مواد مخدر ایفا می کند. (Gassin, 2012).

ج) سیاست جنایی اجرایی (دولتی)

برنامه اجرایی هر مملکت یکی دیگر از مراجع اعمال سیاست جنایی است. نحوه برخورد قوه اجرایی با مسئله انحراف و جرم و در واقع نحوه نظارت و اجرای قوانین قوه مقننه خود جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که از آن به «سیاست جنایی اجرایی» یاد می شود. سیاست جنایی اجرایی، اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه به وسیله برنامه‌ها و آیین نامه‌هایی که هر یک از بدنه قوه مجریه بدان عمل می نمایند می باشد. در زمینه مواد روان گردان می توان گفت تنظیم برنامه‌های مربوط به سیاست جنایی اجرایی طبق مصوبه مبارزه

با مواد مخدر، با «ستاد مبارزه با مواد مخدر» است. این ستاد که وابسته به نهاد ریاست جمهوری است، تنظیم برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد و گسترش آن در جامعه و مبارزه با مواد روان گردان را برعهده دارد (Mazhari, 2020).

د) سیاست جنایی مشارکتی (مردمی)

با توجه به گسترش و رشد انواع بزهکاری و عدم کارایی سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، غیراز پلیس یا قوه قضائیه به منظور ابزارهای نظام کیفری، مشارکت و همکاری افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم است. اعتبار بخشیدن بیشتر به سیاست جنایی که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می شود.

سیاست جنایی مشارکتی، کم هزینه ترین راه مقابله با پدیده مجرمانه است. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی بدین معناست که، پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، خواهیم پذیرفت که تجربه‌های پیشگیری و سرکوبی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند و نهادهای سرکوبگر با شرکت مردم در سیاست جنایی دیگر انحصار سرکوبی و مجازات کردن را در اختیار ندارند و به علاوه این نهادها امروزه پیش گیرنده از بزهکاری نیز می باشند. در زمینه اعتیاد، نقش خانواده‌ها و NGOها و دیگر نهادهای مدنی مثل دانشگاه، مدرسه و صدا و سیما... انکارناپذیر است و در زمینه قاچاق مواد روان گردان، همکاری مردم با پلیس و نیروی انتظامی می تواند راه گشا باشد (Ahmadi, 2015).

تخفیف اجرای مجازات:

منظور از تخفیف مجازات این است که قاضی میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کم تر و تخفیف تر نماید و الاحکم مجازات به حداقل قانونی، تخفیف مجازات محسوب نمی گردد (Imani Jajarmi, 2018) در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن بیان داشته است که «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند».

تعریف مجازات از دیدگاه حقوقدانان:

حقوقدانان مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می کند را مجازات یا کیفر نامیده اند. اعمالی که انسان انجام می دهد اگر مخالف اخلاق وجدان و عدالت و قانون باشد انتهای آن با تأدیب تنبیه و مجازات همراه خواهد بود به کار بردن کلمات به شکل مترادف و متعارف مورد قبول است اما وقتی عملی مخالف قانون باشد باید فقط کلمه مجازات را به کاربرد در اینجا مجازات به معنای پاداشی نکوهش کننده، ترساننده و رنج آور است که در مقابل اعمال یا ترک افعالی ایجاد شده تا مرتکب یا مرتکبان اعمال یا ترک اعمال را تنبیه کند مثال: برخی افراد ممکن است دروغ بگویند دروغ گویی عملی ناپسند و نکوهیده است و می توان دروغ گویان را سرزنش کرد اما نمی توان آن ها را مجازات کرد چرا که دروغ گویی جرم شناخته نشده است مگر در شرایط معدود و محدود، به عنوان مثال در قانون تعزیرات آمده است «هرکس در دعوی حقوقی یا جزائی که قسم متوجه او شده است سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد» (Noorbaha, 2012).

کیفیات مخففه قضایی

کیفیات مخففه قضایی یا عذرهای قضایی تخفیف هستند، این کیفیات اوضاع و احوالی هستند که سبب کاهش مجازات میگردند با این تفاوت که هرگاه وجود آن ها برای قاضی محرز گردید در اعطای تخفیف مختار است. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۲۱۳) تخفیف مجازات تأثیری در میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار ندارد بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا کوشش یزهکار در ترمیم آثار زیانبار و صدمات

احتمالی ناشی از جرم بوده است که به بزهکار تعلق گرفته است. با توجه به اینکه میزان مجازات باید متناسب با مسئولیت شخص مرتکب جرم تعیین شود و با نگرش به اینکه اصولاً میزان مسئولیت مرتکب جرم به اوضاع، احوال و شرایط ارتکاب جرم و بالاخص وضعیت و سوابق خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی مجرم بستگی دارد؛ و اینکه لحاظ نمودن فرداً فرد شرایط توسط قانونگذار امری ناممکن است؛ بنابراین اجرای این امر به دادرس دادگاه محول شده است. منتهی به منظور جلوگیری از اعمال نظر شخصی، قاضی در داشتن اختیارات نامحدود قانونگذار، خودش چارچوب و اصول کلی را تعیین و اندازه مجازات را با رعایت این اصول و قواعد در اختیار قاضی قرار می دهد.

در مسائل کیفری، با توجه به رفتار متهم در مرحله تعقیب و تحقیق و دادرسی، گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و مواردی از این قبیل، قانونگذار به دادگاه اجازه داده است که در موارد محدودی، بزهکار را از کیفر مجازات معاف و یا تحت شرایطی قانونی در میزان مجازات وی تخفیف دهد. قانونگذار در بسیاری از موارد مجازات را به دلایلی، تخفیف می دهد و یا امکان اجرای آن‌ها را غیرممکن می سازد. این تخفیف‌ها تحت عنوان کیفیات مخففه قضایی و گاه نیز معافیت‌های قانونی مورد مطالعه قرار می گیرد. در سیر تاریخچه قانونگذاری در ایران، موضوع تخفیف مجازات در مواد ۴۴، ۴۵ و ۴۶ مکرر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و مواد ۴۵ و ۴۶ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ و نیز در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان گردیده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تخفیف مجازات طی مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ آمده است. در قانون اخیرالذکر، موضوع انواع کیفیات مخففه مجازات تحت دو عنوان (کیفیات مخففه قضایی: مواد ۳۷ الی ۳۹ ق.م.ا و معاذیر قانونی معاف کننده و مخففه مجازات) بیان گردیده که دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری را به تدریج مندرج در ماده (۳۷ ق.م.ا) تقلیل دهد و یا تبدیل به مجازاتی از نوع دیگر نماید که مناسب تر به حال متهم باشد. شاید مهمترین تحول در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را بتوان چنین گفت که کیفیت مخففه قضائی، نهادی اختیاری درید قاضی می باشند؛ و این کیفیات فقط در جرائم تعزیری و با رعایت یکی از شرایط مصرح در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل اعمالند و باید در حکم، صریحاً قید گردد؛ و عدم اجرای این امر، تخلف انضباطی برای مقام قضائی است.

الگوهای آسیب شناسی (مدل سه شاخگی)

آسیب شناسی براساس درک نحوه کار سازمان پایه گذاری می شود. چارچوب‌های فکری که دست اندرکاران تحول سازمانی برای ارزیابی سازمان به کار می برند، «الگوهای آسیب شناسی» نامیده می شوند. الگوهای آسیب شناسی در برنامه تحول سازمانی نقش تعیین کننده‌ای ایفا می کنند با شناخت الگوهای آسیب شناسی می توان نسبت به فرهنگ سازی و نهادینه کردن یکی از آن‌ها با توجه به مقتضیات سازمانی اقدام نمود به طوری که با مشاهده هر گونه مشکل در سازمان با دید سیستمی و نظام مند به بررسی تعاملات میان مولفه‌های مختلف سازمانی پرداخت و ریشه یا ریشه‌های مشکل را شناخت، به این ترتیب با اقدام اصولی و پیش گیرانه می توان عواقب زیانبار آسیب‌ها را به حداقل رساند.

از اینرو، پژوهشگران و صاحب‌نظران، الگوهایی برای آسیب شناسی سازمانی معرفی نموده اند. در این الگوها، آسیب شناسی سازمانی از زوایای مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. مهمترین الگوهای سازمانی عبارتند از: مدل هفت بعدی ماروین وایزبور، مدل هاریسون و الگوی سه شاخگی. با توجه به جامعیت و کاربردی بودن الگوی سه شاخگی در ارتباط با موضوع این پژوهش یعنی آسیب شناسی طرح ارتقاء امنیت اجتماعی از این الگو استفاده خواهد شد که در ادامه به تشریح الگوی مذکور پرداخته می شود (Mirzaei Ahranjani, 1998).

- الگوی سه شاخگی: آسیب‌های سازمانی علل، عوامل و مشکلات اساسی و پایه‌ای می باشند که سازمان را در معرض بحران قرار داده و موجب می شوند که سازمان از رشد متناسب و سالم خود باز بماند. پدیده سازمان و مدیریت را می توان بر حسب سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای بررسی و تجزیه و تحلیل نمود (Al-Hassan et al., 2020). علت نامگذاری این مدل به سه شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به گونه‌ای می باشد که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد. به عبارت دیگر، رابطه بین این سه شاخه یک رابطه تنگاتنگ بوده و در عمل از هم جدایی ناپذیرند بر اساس الگوی سه شاخگی، کل مفاهیم، رویدادها و پدیده‌های سازمانی در سه مقوله ساختار، رفتار و زمینه قابل بررسی و تحلیل هستند. به بیان دیگر پدیده‌های سازمانی و مدیریتی را می توان بر حسب سه دسته عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. لازم به ذکر است این الگو از نوع الگوهای منطقی است (Tayari, 2011).

آسیب‌های ساختاری: آسیب‌های ساختاری در برگیرنده تمام عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیر انسانی سازمان است که با نظم و قاعده و ترتیب خاص و به هم پیوسته، چارچوب، قالب، پوسته، بدنه و یا کالبد فیزیکی و مادی سازمان را تشکیل می دهد. بنابراین تمام منابع مادی، مالی، اطلاعاتی و فنی که با ترتیب خاصی در بدنه کلی سازمان جریان دارد (عناصر غیر زنده) از قبیل ساختار سازمانی، راهبردهای سازمان، نظام‌های حقوق و دستمزد، ارزیابی عملکرد و قوانین و مقررات ذیل شاخه ساختاری قرار می گیرد (Hosseini, 2022).

آسیب‌های رفتاری (محتوایی): آسیب‌های رفتاری شامل عامل‌های انسانی و روابط انسانی بر سازمان است که هنجارهای رفتاری، ارتباطات غیر رسمی و الگوهای خاص به هم پیوسته را تشکیل می دهند. این عامل‌ها در واقع عامل پویایی سازمان تلقی شده و هرگونه متغیرهایی که به طور مستقیم به نیروی انسانی مربوط می شوند را در بر می گیرد. از جمله این موارد می توان به انگیزش، روحیه کار، رضایت شغلی، فرهنگ سازمانی و ویژگی‌های شخصیتی کارکنان اشاره کرد (Ahmadi, 2015; Gassin, 2012).

آسیب‌های زمینه‌ای: آسیب‌های زمینه‌ای شرایط و عامل‌های محیطی برون سازمانی هستند که محیط سازمان را احاطه نموده، باسازمان رابطه متقابل دارند و از کنترل سازمان خارج هستند. به بیان دیگر محیط و شرایط بیرونی را که علت عوامل رفتاری و ساختاری هستند، را در بر می گیرند (Hosseini, 2022) و منظور از آسیب‌های زمینه‌ای در این تحقیق عبارت است از ضعف و ناکارآمدی در هماهنگی، همسویی و ضعف در تعامل ادراک صحیح شرایط عملیات سازمانی که این شرایط محیط پیرامونی سازمان و ماموریت‌های پلیس را احاطه کرده و خارج از کنترل پلیس می باشد.

روش‌شناسی

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش کیفی می باشد که برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های انفرادی نیمه ساختاریافته و متنی (یادداشت برداری) استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق تعداد ۱۹ نفر از کارشناسان و صاحب نظران حوزه قضایی می باشد که از طریق روش نمونه گیری هدفمند انتخاب گردیدند، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفت.

یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که از تعداد ۱۹ نفر جامعه آماری تحقیق. ۹ نفر قاضی، ۱۰ نفر خبرگان و متخصصین قضایی (بازپرس و دادیار که در این زمینه فعالیت داشته و همچنین روسای دادگستری و رییس پیشگیری قوه قضاییه) می باشند، که همگی مرد

هستند. مدرک تحصیلی مشارکت کنندگان ۱۱ نفر دارای مدرک دکتری و ۸ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد می باشند. که با توجه به اینکه در نوزدهمین مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم تعداد افراد مصاحبه شده ۱۹ نفر می باشد.

جدول ۱. دسته بندی کدهای شناسایی شده در قالب مضامین سازمان دهنده

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
عدم تناسب بین تجهیزات و مأموریت	ضعف رصد و پایش مجرمین کمبود فن آوری‌های نوین کمبود تجهیزات اطلاعاتی کمبود تجهیزات عملیاتی نقص سامانه‌های استعلامی عدم بکارگیری تجهیزات کمبود تجهیزات الکترونیکی رسانه‌ای شدن برخی پرونده‌ها افزایش حجمه‌های روانی بر علیه قضات فرهنگ طالب مجازات عدم اعتقاد به نظام جایگزین مجازات در بین مردم فرهنگ طالب مجازات عدم اعتقاد عامه مردم به تاثیر گذاری اعمال تخفیف
نبود ساختار سازمانی مناسب	کمبود نیروی متخصص تخصصی نبودن شعب دادگاه تصمیم سازی متمرکز ناهماهنگی در تصمیم گیری کثرت پرونده‌های ارجاع شده به شعب دادگاه نبود نظام یکپارچه
ضعف در آموزش و مهارت آموزی	عدم تناسب آموزش قضات با تغییرات جزایی ضعف آموزش در استفاده از روش‌های نوین مجازات ضعف مهارتی تسلط قاضی به روحیات متهم، عدم کسب مهارت‌های روابط اجتماعی توسط قضات جوان ضعف در برگزار دوره‌های آموزشی عدم کسب مهارت ارتباطی ضعف در شناسایی وضعیت بزهکار ضعف در مهارت خود کنترلی ضعف آموزش در نحوه رعایت ملاحظات حفاظتی از سوی کارکنان عدم برگزاری دوره‌های مهارت آموزی ناکارآمدی رویکردهای آموزشی
ضعف در سیاست گذاری	عدم وجود نقشه راه تعصب ناصحیح بین شعب عدم ارتباط معاونت آموزش با واحدهای اجرایی فقدان شاخص‌های ارزشیابی تمرکز گرایی فقدان خط و مشی آموزشی نبود سازکارهای مشخص برای استفاده کاهش بازدارندگی احکام کاهش تاثیر پیشگیرانه مجازات ها ناکارآمد جلوه دادن نهاد تخفیف
حس بی اعتمادی به دستگاه قضا	

حس ناکارآمدی اعمال تخفیف

القاء تجری شدن مجرمان حرفه ای
کاهش احساس امنیت در صورت اعمال تخفیف
استفاده مجرمین حرفه‌ای از این تخفیفات
عدم تمایل و اعتقاد قضات به اعمال تخفیف
عدم بازخورد اجرای این قوانین در ترغیب قضات
ضعف در اعمال اختیارات تفویضی
تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر عملکرد قضات
فشار افکار عمومی

فرهنگ سازمانی مجازات خواه

عدم شافیت در میزان اختیارات تفویض شده

عدم استقبال برخی از شعب به عمل تخفیف
حدود اختیارات تفویض شده
سوء تدبیر برخی از قضات از اختیارات قانونی
نحوه اعمال اختیارات تفویض شده
سلیقه‌ای عمل کردن مقام قضایی
تکثر و بی برنامه‌گی در تعیین مجازات
آشفته‌گی سیاست جنایی قضایی
تشتت آرای کیفری

ضعف در برنامه ریزی

استفاده از قضات کم تجربه در اعمال تخفیف
نداشتن برنامه‌های تشویقی برای قضات در اعمال تخفیف
اعطاء اختیارات گسترده به قضات
قدامات فراقانونی

وجود استبداد قضایی

افزایش کمی اختیارات مقام قضایی
عدم وجود رویه دقیق در اعمال تخفیف
آشفته‌گی قضایی
خلاءهای قانونی

خلاءهای قضایی

ضعف کارایی قوانین و مقررات
محدودیت اختیارات قاضی
منع قانونی تبدیل حبس

عدم تغییر در شیوه‌های سنتی اعمال مجازات
نگاه سلبی به احکام صادره
عدم استفاده از شیوه و شگردهای نوین قضایی
مصلحت اندیشی‌های موسمی مدیران

سیستم سنتی قضایی

تعارض در نگاه مدیران
عامل جنسیتی

مواع فردی

پایین بودن سن متهمین
کهولت سن متهمین

شرایط اجتماعی و فرهنگی
باورهای قومی و آداب و رسوم سنتی

مواع محیطی

شرایط و مقتضیات زمانی
شرایط مکانی خاص

عدم استفاده از اهرم‌های کنترلی

ضعف سیستم نظارتی

عدم برخورد انضباطی با قضات کم کار در این زمینه
عدم تشکیل بانک‌های اطلاعاتی اعمال تخفیف

عوامل مخل ساز محیط اجتماعی در اعمال تخفیف،
موقعیت‌های موثر در اعمال تخفیف

نظام‌های همجوار

عوامل سازمانی و نهادی تأثیرگذار در اعمال تخفیف
حمایت اجتماعی در اعمال تخفیف

عدم انعکاس پیامدهای اعمال تخفیف،	عدم توجه به واکنش‌ها
عدم انعکاس بازخورد اجتماعی و التهابات احتمالی اعمال تخفیف	
عدم انعکاس کاهش هزینه‌های جرم و اثر بخشی اعمال تخفیف	
ضعف در سازماندهی توزیع پرونده‌های قضایی متناسب با ظرفیت شعب	عدم مدیریت قضایی کارآمد
ضعف در شناسایی قضات دارای مهارت‌های مرتبط	
ضعف در تقویت تصمیم‌گیری اقتضایی به جای تصمیم‌گیری متمرکز	
ضعف تصمیم‌گیری مطابق با تغییر محیط وقوع جرم،	
عدم وجود درک صحیح مسئولین از فواید اعمال تخفیف مجازات	برنامه‌های مکمل
آشنا نمودن مردم با فواید تاسیس حقوقی اعمال تخفیف مجازات	
ارتقاء سطح فرهنگی عامه مردم در حمایت از کیفر زدایی،	
تقویت روحیه انتقاد پذیری قضات	
نظرخواهی مستمر از مردم از بازخورد اعمال تخفیف مجازات و فواید و معایب آن	
نمایش خدمات مثبت اعمال تخفیف مجازات برای جلب افکار عمومی	
بهره‌گیری از اساتید مجرب به منظور آموزش	رویکرد حرفه‌ای
بسترسازی فرهنگی	
روشنگری عمومی و افزایش آگاهی‌های عمومی	
متقاعدسازی جمعی	
بهبود شیوه اطلاع رسانی از قوانین و مقررات در سطح جامعه	
ایجاد حس اعتماد و اطمینان	

جدول ۲. دسته‌بندی کدهای شناسایی شده در قالب مضامین فراگیر

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
عدم تناسب بین تجهیزات و مأموریت	موانع ساختاری
نبود ساختار سازمانی مناسب	
ضعف در آموزش و مهارت آموزی	
ضعف در سیاست گذاری	
عدم شافیت در میزان اختیارات تفویض شده	
ضعف سیستم نظارتی	
عدم مدیریت قضایی کارآمد	
حس بی اعتمادی به دستگاه قضا	موانع رفتاری
حس ناکارآمدی اعمال تخفیف	
وجود استبداد قضایی	
فرهنگ سازمانی مجازات خواه	
فشار افکار عمومی و رسانه‌ای	
برنامه‌های مکمل	
ضعف در برنامه ریزی	موانع زمینه‌ای
خلاءهای قضایی	
سیستم سنتی قضایی	
موانع فردی	
موانع محیطی	
نظام‌های همجوار	
عدم توجه به واکنش‌ها	
رویکرد حرفه‌ای	

پس از تجزیه و تحلیل نتایج مصاحبه آخرین نمونه آماری و با مشاهده یافته‌های مصاحبه‌ها، مشخص می‌شود که از مصاحبه آخر (نوزدهم) هیچ مفهوم جدیدی به این مجموعه اضافه نشده است. لذا، میتوان ادعا کرد که پژوهش جاری به مرحله اشباع رسیده است. لذا بمنظور آسیب شناسی سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص نحوه اعمال تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات از طریق فرآیند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران، مضامین فراگیر یا همان ابعاد اصلی استخراج و اولویت هریک از آنها بر اساس فراوانی مفاهیم ذکر شده در مصاحبه‌ها مشخص شدند. سپس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب کدهای مضامین سازمان دهنده یا همان مولفه‌ها و در نهایت مضامین اصلی، قرار گرفته، تفکیک و دسته بندی شدند. که سه مضمون فراگیر یا ابعاد شامل موانع ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای شناسایی شدند.

موانع ساختاری از طریق فرآیند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران، استخراج شدند به نحوی که نتایج بدست آمده از تحلیل کیفی منجر به شناسایی ۴۱ مضمون پایه گردید که از تجمیع این مضامین ۷ مضمون سازمان دهنده (عدم تناسب بین تجهیزات و مأموریت، نبود ساختار سازمانی مناسب، ضعف در آموزش و مهارت آموزی، ضعف در سیاست گذاری، عدم شافیت در میزان اختیارات تفویض شده، ضعف سیستم نظارتی، عدم مدیریت قضایی کارآمد) استخراج گردید.

در مرحله دوم موانع رفتاری از طریق فرآیند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران، استخراج شدند به نحوی که نتایج بدست آمده از تحلیل کیفی منجر به شناسایی ۲۷ مضمون پایه گردید که از تجمیع این مضامین ۶ مضمون سازمان دهنده (حس بی اعتمادی به دستگاه قضا، حس ناکارآمدی اعمال تخفیف، وجود استبداد قضایی، فرهنگ سازمانی مجازات خواه، فشار افکار عمومی و رسانه ای، برنامه‌های مکمل) استخراج گردید.

در مرحله سوم موانع زمینه‌ای از طریق فرآیند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق یا نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران، استخراج شدند به نحوی که نتایج بدست آمده از تحلیل کیفی منجر به شناسایی ۳۵ مضمون پایه گردید که از تجمیع این مضامین ۶ مضمون سازمان دهنده (ضعف در برنامه ریزی، خلاءهای قضایی، سیستم سستی قضایی، موانع فردی، موانع محیطی، نظام‌های همجوار، عدم توجه به واکنش‌ها، رویکرد حرفه ای) استخراج گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اطلاعات بدست آمده از روش کیفی که از طریق بررسی آراء پرونده‌های قضایی دادگاه‌های دادگستری استان کرمانشاه و انجام مصاحبه با خبرگان بدست آمد مشخص گردید که بخشی از موانع اعمال تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات سیاست جنایی قضایی کشور در درون سازمان (سیستم قضایی) و بخشی از عوامل در بیرون از سازمان کارکرد دستگاه قضا در اجرای قانون تاسیس حقوقی کیفیات مخففه مجازات را تحت تاثیر قرار داده و به عنوان موانع این تاسیس حقوقی شناخته می‌شوند. که در تقسیم بندی این موانع به سه بعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای اطلاعات بدست آمده از طریق هر دو روش کیفی و کمی و مقایسه آن با اطلاعات بدست آمده از بررسی آراء پرونده‌های دادگاه‌های دادگستری استان شاخص‌ها و مولفه‌های بعد رفتاری بیشترین تاثیر گذاری بر قضات در اعمال تخفیف و پس از آن شاخص‌ها و مولفه‌های بعد ساختاری که بیشتر به حوزه درون سازمانی خود دستگاه قضا مرتبط می باشد در روند اعمال تاسیس حقوقی کیفیات مخففه تاثیر گذار می باشد و در نهایت شاخص‌ها و مولفه‌های ابعاد زمینه‌ای که بیشتر موانع محیطی می باشند در این روند تاثیر گذار می باشد. هر چند در

نهایت این موانع اعم از محیط داخل و یا بیرون سازمان (دستگاه قضایی) نسبت به هم ارتباط تنگاتنگ و پیوسته‌ای دارند و رفع این موانع در اجرای قانون مذکور در هر دو حوزه به صورت متوازن می باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین کلیه ابعاد (موانع) با فرآیند اعمال کیفیات تخفیف رابطه همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد در این راستا می توان به مدل سه بعدی دکتر حسن میرزایی اهرنجانی است که در سال ۱۳۷۷ ارائه شد اشاره نمود. در این مدل، اصولاً هر سازمانی را میتوان در سه بُعد ساختاری، زمینه‌ای و رفتاری مورد آسیب شناسی، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمیتواند خارج از ارتباط و تعامل بین این سه بُعد صورت پذیرد بنابراین اصلی ترین کارکرد بُعد محیطی، تنظیم روابط سازمان با سیستم‌های بالاتر از خود است؛ چون هر سیستم یا سازمانی در جایگاه خاص خود، همواره با سیستم‌های بالاتر یا پایین تر از خود، در کنش و واکنش دائمی است و نسبت به سیستم‌های بالاتر از خود، سیستم فرعی محسوب می شود. از این رو همه علل و عواملی که موجبات برقراری، تنظیم و واکنش به موقع و مناسب سازمان نسبت به سیستم‌های اصلی تر را فراهم می آورند، زمینه یا محیط نامیده می شوند که با نتایج این تحقیق همسو می باشد. مظهری (۱۳۹۹) نیز چنین نتیجه گرفته است که تاسیس حقوقی تخفیف مجازات در رویه دادگاه‌های تجدید نظر، وحدت و هماهنگی لازم وجود ندارد به طوری که در زمینه‌های مختلف از جمله قوانین مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری و قوانین خاص، عناوین بعضی از جرایم، مواد شکلی و ماهوی و... این اختلاف نظر باعث شده که به درستی اهداف قانون گذار در زمینه تخفیف مجازات - که در راستای کیفر زدایی پیش بینی شده - به خوبی محقق نگردد (Mazhari, 2020). تخفیف مجازات نهاد مناسبی است که برای کاهش آثار زیان بار مجازات تاسیس گردیده، و تا زمانی که این اختلاف نظرها وجود دارد اهداف آن محقق نمی شود. با توجه به اختلاف نظر و اتخاذ رویه‌های مختلف در محاکم از جمله دادگاه‌های تجدید نظر، در عمل شاهد ضعف رویه قضایی واحد و منسجم در این مورد هستیم، از جمله موارد اختلاف در خصوص این تاسیس حقوقی می توان به موضوعات؛ اختلاف استنباط از قوانین و اختلاف در دیدگاه‌های قضایی اشاره نمود که عدم وجود وحدت روش و اختلاف نظرهای موجود در خصوص این تاسیس حقوقی سبب بروز مشکلاتی گردیده که از جمله می توان به کاهش استفاده از این تاسیس حقوقی، عدم استفاده مناسب از این تاسیس حقوقی (افرادی که استحقاق آن را ندارند و تخطی از شرایط قانونی تاکید نمود. که نتایج آن در بعد ساختاری با نتایج این همسو و در سایر ابعاد از جمله نقش موانع بیرون سازمانی همچون بعد رفتاری و زمینه‌ای متفاوت می باشد.

پیشنهادها

اقدامات بعد رفتاری

۱- با توجه به اینکه بعد رفتاری رتبه اول در فرآیند اعمال کیفیات مخففه را در سیاست جنایی قضایی را به خود اختصاص داده لذا پیشنهاد می گردد با فعال نمودن سازمان‌های مختلف در رعایت مولفه‌ها و شاخص‌های بعد رفتاری در جهت فرآیند اعمال کیفیات مخففه به ویژه کمک به آموزش‌های همگانی در گرایش به مجازات زدایی و در نهایت نگرش واقعی جامعه به امر همکاری در حوزه کیفر زدایی اقدام لازم صورت گیرد.

۲- جلوگیری از فشار خدمتی و دشوار نمودن شرایط خدمت برای قضات و توجه به نیازهای روحی و روانی منابع انسانی جهت افزایش کارایی و اثر بخشی آنان.

۳- توام سازی ادراک اجتماعی با نحوه اعمال تاسیس حقوقی تخفیفات مخففه و ایجاد همگرایی بین افکار عمومی و دستگاه قضا در اعمال این قانون

۴- برگزاری مستمر کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و تخصصی برای قضات در رابطه با انواع شیوه و شگردهای جدید مجازات و استفاده از فن آوری‌های نوین و... در کیفر زدایی

اقدامات بعد ساختاری

۱- استفاده از تجهیزات و فن آوری‌های مدرن در اجرای روشهای نوین قضایی و قوانین مدرن از جمله تاسیس حقوقی کیفیات مخففه در برنامه‌های دستگاه قضایی قرار گیرد

۲- حرفه‌ای گرایی در حوزه قضاوت از طریق افزایش دانش و مهارت روانشناختی و روابط اجتماعی قضات از طریق آموزش‌های متناسب با مأموریت‌های جدید دستگاه قضا در کیفر زدایی از احکام صادره در دستور کار قرار گیرد

۳- پیشنهاد می شود با شناسایی و دستیابی به عوامل انگیزشی نسبت به ترغیب قضات به اعمال کیفیات مخففه اقدام گردد.

۴- تعیین شرح وظایف برای دستگاه‌های درون و برون سازمانی و نظارت و پیگیری مستمر در این خصوص

۵- ملزم نمودن دستگاه‌های اجرایی در ارائه بیان عملکرد در حوزه اقدامات فرهنگی صورت گرفته در کاهش گرایش افکار عمومی به مجازات

۶- پیشنهاد می شود جهت نظارت و کنترل عملکرد قضات در اعمال کیفیات مخففه با ایجاد کمیته ویژه ای، عملکرد قضات در این زمینه پیگیری شود.

اقدامات بعد زمینه‌ای

۱- راه اندازی پویش‌های مختلف در جهت حمایت از کیفر زدایی از احکام و اعمال تخفیف و جایگزین‌های مجازات

۲- مطالبه گری از نهادها و سازمان‌های مرتبط برون سازمانی در زمینه انجام اقدامات تبلیغی در جهت اقباسازی افکار عمومی در زمینه کیفر زدایی

۳- تربیت کارکنان حرفه‌ای در نحوه استفاده از فن آوری‌های روز دنیا در جهت رصد مجرمین

۴- پیشنهاد می شود در مواد مرتبط با قانون تاسیس حقوقی کیفیات مخففه به جای کلمه «می تواند» کلمه «باید» به کار برود زیرا چنین به نظر می رسد که کلمه می تواند دست قضات را در عدم اعطای تخفیف باز گذاشته و به تعبیر دیگر نوعی اجحاف در حق متهم و مجرم بی سابقه، شایسته تخفیف روا شده است؛ و در صورت جایگزین شدن واژه «باید» اعطای تخفیف با شرایط مندرج در این ماده الزامی خواهد بود.

۵- انعکاس مواد قانونی که با شرایط و مقتضیات زمانی جامعه منطبق نیست به نهادهای قانون گذار در جهت به روز رسانی این قوانین.

۶- انعکاس بازخورد کیفی اعمال کیفیات مخففه مجازات در کاهش تکرار جرم، کاهش جامعه کیفری و کاهش هزینه‌های قضایی برای قضات در جهت تشویق و استقبال آنان در اعمال تخفیف مجازات

۷- با توجه به تاثیر ابعاد اجتماعی به ویژه مولفه فرهنگی همچون افکار عمومی، رسانه‌ها و... برنامه ریزی لازم در ارتباط با انجام تبلیغات رسانه‌های در انعکاس نکات مثبت و تاثیر گذار اعمال تخفیف مجازات در راستای تنویر افکار عمومی صورت گیرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Introduction

The concept of mitigating circumstances in criminal law is deeply rooted in the modern principles of individualized punishment and human dignity. These circumstances serve to reduce or alter the severity of punishment in cases where certain personal or situational factors mitigate the culpability of the offender. Iran's criminal justice system, particularly in its judicial criminal policy, however, tends to marginalize such rehabilitative considerations in favor of a predominantly punitive approach. While the Islamic Penal Code of 2013 and its 2020 amendments introduced clearer frameworks under Articles 37–39 for judicially mitigating sentences, actual implementation remains uneven and often ineffective. Scholars have argued that mitigating conditions must be considered with due regard to the offender's social position, cooperation with the court, and lack of prior criminal history, as these can enable better social reintegration post-sentencing. Yet, as (Mazhari, 2020) observes, inconsistency in judicial interpretation of these provisions often frustrates their intent. Moreover, the application of mitigating conditions is confined largely to discretionary judicial powers in Ta'zir crimes, leaving no room for such latitude in Hudud or Qisas cases. Iran's legal tradition in mitigating punishments can be traced through legislative history, from Articles 44 to 46 of the 1925 Penal Code to Article 22 of the 1991 Islamic Penal Code, and later to the present framework in the 2013 version. The introduction of the phrase "reduction or conversion" instead of the generic term "mitigation" (as seen in Article 37) reflects a nuanced legal shift, signaling a structural change in the judiciary's penal policy. However, systemic deficiencies—both inside and outside the judiciary—have impeded the actual realization of these reforms. Scholars such as (Sotoudeh, 2007) emphasize the need to diagnose the structural, behavioral, and contextual "pathologies" obstructing legal reform implementation. Accordingly, this study aims to identify and analyze the barriers in Iran's judicial criminal policy that hinder the effective application of mitigating circumstances, using the tripartite pathology model which examines structural, behavioral, and contextual factors.

Methods and Materials

This study followed a qualitative research design and adopted an applied purpose. The data were collected using semi-structured individual interviews and document analysis. A total of 19 experienced legal practitioners—including judges, prosecutors, and judicial experts—were selected through purposive sampling to ensure informed perspectives on the subject matter. Data collection continued until theoretical saturation was reached during the nineteenth interview. All participants were male, with 11 holding doctoral degrees and 8 possessing master's degrees. The interviews were transcribed and analyzed using thematic analysis to identify key patterns and constructs related to barriers to implementing mitigating circumstances. The tripartite model of pathology—comprising structural, behavioral, and contextual dimensions—was employed to organize and interpret the findings.

Findings

Data analysis yielded 138 distinct codes, which were systematically grouped into 21 components and further synthesized into three overarching dimensions: structural, behavioral, and contextual barriers. Within the structural domain, 41 foundational codes were categorized under seven organizing themes: lack of alignment between equipment and mission, inadequate organizational structure, insufficient training and skill-building, flawed policymaking, ambiguous delegated authority, weak supervisory systems, and inefficient judicial management. Behavioral obstacles comprised 27 codes across six themes, including public distrust in the judiciary, perceived ineffectiveness of mitigation, judicial authoritarianism, a punishment-oriented organizational culture, media pressure, and the absence of complementary programs. Contextual (environmental) challenges included 35 codes spread across eight themes: poor planning, legal loopholes, traditional judicial practices, individual barriers (e.g., age and gender of defendants), sociocultural impediments, influence of parallel legal systems, disregard for public feedback, and lack of strategic communication efforts. A key pattern observed was that behavioral barriers exerted the strongest influence on judges' willingness to apply mitigating measures, followed by structural constraints, and finally contextual issues. For instance, public expectations for harsh punishments and cultural skepticism toward alternative sentencing were major deterrents. The lack of clear guidelines and training for judges further compounded the problem, as did the judiciary's limited access to modern technologies and interdisciplinary support (e.g., social workers).

Discussion and Conclusion

The study reveals that the institutionalization of mitigating circumstances within Iran's judicial criminal policy is hindered by a complex web of internal and external challenges. Internally, structural inefficiencies such as outdated information systems, lack of interdisciplinary staffing, and fragmented decision-making mechanisms undermine the consistent application of mitigating provisions. Equally impactful are behavioral factors, particularly the punitive orientation of some judges, the absence of incentive structures, and a general mistrust in the efficacy of mitigated sentencing. These internal challenges are compounded by contextual dynamics such as cultural resistance to non-custodial measures, political pressure, and media sensationalism. The data further show that although legal frameworks for mitigation exist, their effectiveness is often neutralized by inconsistent judicial interpretation and a lack of procedural uniformity. Notably, the findings align with (Mazhari, 2020), who highlighted how divergent judicial approaches erode the goal of penal moderation envisioned by the legislature. The implications of these findings are significant for legal reform and criminal justice administration. First, they point to the need for cultural re-engineering within the judiciary and the wider public to foster acceptance of mitigation as a tool for justice and rehabilitation rather than leniency. Second, they underscore the necessity of empowering judges with structured training, performance incentives, and technological support systems. Third, the study highlights the importance of institutional accountability and public communication strategies to bridge the gap between legal reform and public perception. Overall, the study concludes that unless these multi-dimensional obstacles are addressed in a coordinated and holistic manner, the legal institution of mitigating circumstances in Iran will remain a dormant provision, failing to achieve its intended goals of rehabilitation, proportionality, and penal moderation.

References

- Ahmadi, M. (2015). *Criminal Procedure* (Vol. 2). Dadgostar Publications.
- Al-Hassan, S., Shah Mohammadi, Z., & Karami, M. (2020). Pathology of Employee Training Needs Assessment Using the Three-Branch Model. *Urban Management Studies Quarterly*, 12(43), 40-53.

- Gassin, R. (2012). Relationships Between Situational Prevention and Crime Control. *Legal Research Journal*(19-20).
- Hosseini, S. M., & Motavallizadeh Naeini, N. (2014). Examining Labeling Theory with Reference to Islamic Sources. *Quarterly Journal of Law, Faculty of Law and Political Science Journal*.
- Hosseini, S. N. a.-D. (2022). *Multi-Institutional Participation Model in the Crime Detection Process*
- Imani Jajarmi, H. (2018). An Introduction to Privatization of Urban Service Delivery by Municipalities in Iran. *Urban Management Quarterly*(3), 70-85.
- Mazhari, H. (2020). Judicial Practices of Appeals Courts Regarding Sentence Reduction.
- Mirzaei Ahranjani, H. (1998). *Detailed Plan for Expanding New Horizons in Understanding and Pathology of Public and Governmental Organizations in Iran (Western Regional Water)*. Applied Research Center, Faculty of Management, University of Tehran.
- Noorbaha, R. (2012). Foundations of General Criminal Law.
- Sotoudeh, H. (2007). *Social Pathology*. Avaye Noor.
- Tayari, M. (2011). *Criminal Suspension in New Iranian Law*